

گونه‌شناسی تفسیر قرآن کریم در نهج البلاغه

* سید علی اکبر ریبع نتاج

** محمد صادق حیدری

چکیده: با دقت در کتاب نهج البلاغه، به دست می‌آید که امیرالمؤمنین علی‌الله‌آل‌ابی‌طالب‌عاصمی در برخی از سخنان خود با اشاره مستقیم به آیات متعددی از قرآن کریم، گونه‌ها و روش‌های مختلفی را برای تفسیر و تبیین کلام وحی مورد استفاده قرار داده‌اند؛ همچون: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، بیان معنی مفردات آیات، استناد به آیات در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، بیان چرایی و تفسیر آیات، تبیین بدفهمی برخی از آیات، استفاده از قیدهای توضیحی، ذکر مصاديق آیات، توجّه به اهداف تربیتی و اخلاقی آیات و... در این مقاله، با مروری به نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی‌الله‌آل‌ابی‌طالب‌عاصمی گونه‌شناسی تفسیر قرآن، تبیین و تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امیرالمؤمنین علی‌الله‌آل‌ابی‌طالب‌عاصمی / نهج البلاغه / قرآن کریم / گونه‌های تفسیر.

۱. طرح مسئله

خداؤند همراه با نزول قرآن بر نبی اکرم ﷺ، توانایی چگونگی تفسیر و تبیین آیات آن را نیز به پیامبر خود ارزانی داشته است؛ رسولی که پروردگار متعال، آیات الهی را نخستین بار به او تعلیم داده و او را معلم دیگران قرارداده است. آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که پیامبر را «مبین» کلام نورانی وحی معرفتی می‌کند: **﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْذِكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾** بر تو قرآن را نازل کردیم تا آنچه را برای مردم نازل شده است، برایشان بیان کنی و باشد که بیندیشند.

(نحل (۱۶) / ۴۴)، این آیه دلالت بر حجیت قول رسول خدا ﷺ در بیان و تفسیر آیات قرآن دارد.

بنابراین پیامبر اکرم ﷺ با بهره‌گیری از منبع لایزال وحی خداوندی و اهتمام به این مقوله مهم، روشهای تفسیر کلام خداوند را به امیرالمؤمنین علیهم السلام آموخته است؛ کسی که در دامان رسالت پرورش یافته و زلال گوارای دانش را بدون واسطه از منبع اصلی آن نوشیده و در سایه ارشاد و راهنمایی مستقیم پیامبر ﷺ درس دین فراگرفته است. (نک: معرفت، ج ۲، ص ۲۱)

این مقاله در پی آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که «در کتاب گرانسنج نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیهم السلام از چه گونه‌ها و روشهایی برای تفسیر قرآن کریم بهره برده است؟»

برتری اهل بیت در تفسیر قرآن

پر واضح است که از دیدگاه مکتب تشیع، پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، تفسیر قرآن کریم تنها به عهدۀ امامان معصوم علیهم السلام بوده و وظیفه ایشان است. با رجوع به کتب روایی شیعه، به خوبی، می‌توان دریافت که ائمۀ اطهار علیهم السلام یگانه منبع ارزشمند تفسیر و تبیین آیات قرآنی و در روایات متعددی منظور از «راسخون در علم» در آیه شریفه **﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...﴾** (آل عمران (۳) / ۷) و **﴿الَّذِينَ**

أَوْتُوا الْعِلْمَ» در آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ...» (عنکبوت

(۲۹) / (۴۹)، اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ می باشند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۱۳-۲۱۴)

پیامبر اکرم ﷺ در حدیث شریف تقلین، اهل بیت خود را هم سنگ و هم طراز با قرآن معرفی می کند و آنان را تنها ملجم و پناهگاه واقعی، برای پویندگان راه حقیقت و سعادت برمی شمرد، (مسلم نیشابوری، ج ۷، ص ۱۲۳؛ قمی، ج ۲، ص ۴۴۷؛ مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۱۸) استاد مطهری در تبیین حدیث تقلین می گوید: «منظور پیامبر ﷺ صرف احترام به این دو ثقل و شئ وزین و ارزشمند نبوده است، بلکه مقصود این است که به هر دوی آنها، یعنی قرآن و عترت، مراجعه کنید تا گمراه نشوید؛ زیرا مسئله «رجوع» مطرح است و پیامبر ﷺ عترت را عدل قرآن قرار داده است.» (مطهری، ص ۵۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۱۵۴ نهج البلاغه با اشاره به این موضوع، ضرورت رجوع به اهل بیت پیامبر ﷺ را به عنوان گنجینه های علوم و معارف خداوند، به مردم گوشزد می کند:...

﴿...نَحْنُ الشَّعَارُ وَالْأَصْحَابُ، وَالْخَزَنَةُ وَالْأَبْوَابُ، وَلَا تُؤْتِي الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا، فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا مُسْتَيْ سَارِقًا، فِيهِمْ كَرَاءُمُ الْقُرْآنِ، وَهُمْ كُنُوزُ الرِّحْمَانِ، إِنَّ نَطَقُوا صَدِقاً وَإِنْ صَمْتُوا لِمْ يُسْبِقُو...﴾

(ای مردم) ما اهل بیت پیامبر چونان پیراهن تن او و یاران راستین او و خزانه داران علوم و معارف وحی و درهای ورود به آن معارف می باشیم که جز از در، هیچ کس به خانه ها وارد نخواهد شد. و هر کس از غیر در وارد شود، دزد نامیده می شود. (مردم) درباره اهل بیت پیامبر آیات کریمه قرآن نازل شده است. آنان گنجینه های علوم خداوند رحمان اند، اگر سخن گویند راست گویند و اگر سکوت کنند، بر آنان پیشی نجویند. (دشتی، خطبه ۱۵۴، ص ۲۰۲)

امام علیه السلام در سخنی دیگر، در پاسخ به مردی از قبیله کلب، علم غیب در نزد

خداؤند متعال را جدای از علوم و معارفی می‌داند که در نزد پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد. ایشان در ادامه، خود را پرورش یافته مکتب پیامبر و دارنده علومی می‌داند که رسول خدا ﷺ به وی آموخته است:

﴿يَا أَخَا كَلْبٍ... وَ مَا سِوِي ذَلِكَ فَعَلْمٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ تَبَيِّنَهُ فَعَلَّمْنِيهِ، وَ دَعَا لِي بِأَنَّ

يَعِيَهُ صَدِّرِيِّ، وَ تَضَطَّمَ عَلَيْهِ جَوَانِحِيِّ﴾ (همان، خطبه ۱۲۸، ص ۱۷۲) ای برادر کلبیان ... و رای علم غیب خداوندی، علوم و معارفی است که خداوند به پیامبرش تعلیم داده و او آن را به من آموخته است. و پیامبر ﷺ برای من دعا کرد که خدا این دسته از علوم و اخبار را در سینه من جای دهد و اعضاء و جوارح بدن من از آن پرگردد.

با توجه به این مطالب، می‌توان گفت: همان‌طور که کلام خداوند در قرآن کریم از خطأ و اشتباه مصون است، سخن امام علیؑ نیز منبع قاطعی است که خطأ، اشتباه و انحراف در آن راه ندارد و امام تنها مبین و مفسّری است که قول او مستند به قول پیامبر اکرم ﷺ می‌باشد و تفسیر صحیح و راستین قرآن را تنها می‌توان از ایشان دریافت نمود.

پیوند امیرالمؤمنین علیؑ و قرآن کریم

پیوند ناگسستنی امیرالمؤمنین علیؑ با قرآن کریم چنان عمیق و گسترده است که رسول خدا ﷺ در حدیثی با بر Sherman این ویژگی امام علیؑ، آن دورا ملازم و مکمل هم دانسته است. ام سلمه از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمود: «عَلَيْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنَ مَعَ كُلِّ لَا يَفْرَقُنَ حَتَّى يَرْدَعَلِي الْحَوْضَ» (طبرانی، ج ۱، ص ۲۵۵) این پیوند به گونه‌ای زرف و استوار است که نگاهی گذرا به کتاب نهج‌البلاغه ما را به یافتن هر چه بیشتر پیوند امیرالمؤمنین علیؑ و قرآن کریم و همچنین تأثیر آن بر فکر و اندیشه ایشان یاری می‌کند. اینک به دونمونه از آن اشاره می‌شود:

۱- امیرالمؤمنین علیؑ در جنگ نهروان، پس از پافشاری خوارج به شورش و

انحراف، در عبارتی خطاب به آنان، قرآن را یار و همنشین همیشگی خود دانسته که از زمان آشنایی با این کتاب الهی هرگز از آن جدا نشده است؛ «وَإِنَّ الْكِتَابَ لَعِيَ مَا فَارَقَتُهُ وَمُذْ صَحِّبْتُهُ» (همان، ص ۱۶۴)

۲- امیرالمؤمنین علیه السلام در جایی دیگر از نهج البلاغه، قرآن کریم را کتابی صامت و خود را قرآن ناطق و جامع معارف وحی الهی معرفی می‌کند. ایشان در خطبه ۱۵۸ - که برخی از شارحان گفته‌اند در شهر کوفه ایراد شده است - می‌فرماید:

«ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَطِعُوهُ، وَلَنْ يَنْطَقَ، وَلَكِنْ أَخْبُرُكُمْ عَنْهُ...»

از قرآن بخواهید تا سخن بگوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم. (همان، ص ۲۱۰)

قرآن از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

مهم‌ترین گام در ارتباط با چیزی، شناخت و معرفت نسبت به آن می‌باشد. برای شناختن ارزش و عظمت قرآن، بهترین منبع، امیرالمؤمنین علیه السلام است که می‌توان در موضعه متعددی از کتاب نهج البلاغه، جایگاه واقعی قرآن کریم را از دیدگاه ایشان دریافت نمود. پیوند امام علیه السلام با قرآن باعث شده است تا ایشان زیباترین و رساترین تعبیر و تعاریف را برای این کتاب آسمانی بکار گیرد و مردم را به بهره‌گیری هر چه بیشتر از آن رهنمون سازد.

قرآن کریم از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام بهار دلهاست که انسانها با آموزه‌های آن جسم و روح خود را طراوت و تازگی می‌بخشند: «وَتَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحَسَنُ الْحَدِيثِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصَّدُورِ.» (همان، خطبه ۱۱۰، ص ۱۴۸)

ایشان در خطبه ۱۸، قرآن کریم را دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف می‌داند که مطالب شگفت‌آور و اسرار نهفته آن هرگز پایان نمی‌یابد:

«وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرٌ أَنِيقٌ وَبَاطِنٌ عَمِيقٌ، لَا تَفْنِي عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقَضِي

عَرَابِهُ، وَلَا تَكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهِ.» (همان، ص ۴۲)

و به راستی، قرآن ظاهري زیبا و باطنی ژرف و ناپیدا دارد. مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکیها بدون قرآن بر طرف نخواهد شد.

در خطبه ۱۵۲، به توصیف برکات قرآن می‌پردازد:

«فِيهِ مَرَابِيعُ النَّعْمٍ، وَ مَصَابِيحُ الظُّلْمِ، لَا تُفْتَحُ الْخَيْرَاتُ إِلَّا بِمَفَاتِيحِهِ، وَ لَا تُكَشِّفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِعَصَابِيحِهِ.»

در قرآن برکات و خیرات، همچون سرزمنی‌های پرگیاه در اوّل بهاران فراوان است، و چراغهای روشنی‌بخش تاریکیهاست. در نیکیها جز بالکلید قرآن باز نمی‌شود و تاریکیها را جز با چراغهای آن روشنایی نمی‌توان بخشد.

(همان، ص ۲۰۰)

همه این تعاریف زیبا عمق شناخت امام نسبت به عظمت این کتاب آسمانی را نشان می‌دهد و با این تعبیر لطیف، همگان را به گره زدن دلهای خویش به این رسماً الهی دعوت می‌کند.

گونه‌های تفسیر قرآن کریم در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین علیه السلام در قسمتهاي مختلفي از نهج البلاغه، «با اشاره مستقيم» به برخى از آيات قرآن کریم، به تفسیر آن آيات پرداخته است. ایشان با تسلطی که بر آیه قرآن کریم داشته‌اند، گنجینه ارزشمندی از علوم و معارف الهی را برای پویندگان تفسیر راستین کلام وحی به یادگار گذاشته است.

در تأیید این گفتار، همین بس که ابن‌ابی‌الحدید، یکی از شارحان معروف نهج البلاغه، در مقدمه کتاب خود، به ستایش دانش امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر قرآن کریم می‌پردازد و درباره علم تفسیر ایشان می‌گوید:

«علم تفسیر القرآن منه أخذ و عنه فرع، وإذا رجعت إلى كتب التفسير

علمت صحة ذلك» (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۹)



علم تفسیر قرآن، از او سرچشمه گرفته شده و از کوهسار دانش وی سرازیر می‌شود. اگر به کتابهای تفسیر مراجعه کنی، درستی این سخن را در می‌یابی.

سخن این ابی الحدید ناظر بر این مطلب است که امام علیؑ برجسته‌ترین چهره تفسیری در میان مفسران قرآن کریم می‌باشد.
اینک به مهم‌ترین گونه‌ها و روش‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیؑ در نهج البلاغه می‌پردازیم:

۱. تفسیر قرآن به قرآن

یکی از بهترین و استوارترین روشها در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر قرآن به قرآن است. در این روش، مفسر با رجوع به کتاب خدا، ملاک و محور بیانات خود را قرآن قرار داده و از روشنگری‌ها و اشارات قرآن کریم در فهم آیات آن بهره و مدد می‌گیرد.

بسیاری از شارحان و مفسران قرآن، از این روش به عنوان روش پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیؑ یاد می‌کنند. (نک: طباطبایی، ج ۱، ص ۱۸)

امیرالمؤمنین علیؑ به عنوان مفسر راستین قرآن کریم، از روش تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر برخی از آیات الهی بهره برده است و در تأیید این روش فرموده است:

«يَطِقُّ بَعْضُهُ بَعْضٌ وَ يَشَهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ...»
قرآن کتابی است که بعضی از آن به وسیله بعضی دیگر به سخن در می‌آید و برخی برخی دیگر گواهی می‌دهد. (نک: دشتی، ص ۱۷۸)

در خطبه حضرت زهرا علیؑ به این آیه برای میراث بری استناد شده است.

۲. تفسیر قرآن به سنت

یکی از موارد تفسیر قرآن به سنت در نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶ است.
امیرالمؤمنین علیؑ در این خطبه که پس از پیروزی در جنگ جمل برای مردم بصره



ایراد فرمود، به بیان مباحثی در مورد فتنه انگیزی اصحاب جمل پرداختند.
در پایان این خطبه، فردی از جای خود برخاست و از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید
«ای امیر المؤمنین: ما را از فتنه آگاه کن. آیا نسبت به فتنه، از پیامبر خدا علیه السلام سوالی
نفرموده ای؟» امام علیه السلام در جواب این شخص به تفسیر پیامبر اکرم علیه السلام از دو آیه
ابتداًی سوره مبارکه عنکبوت اشاره فرمودند؛ بنگرید:

... فقال عليه السلام:

إِنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قَوْلَهُ: "الْأَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنُوا وَ
هُمْ لَا يُفْتَنُونَ" (عنکبوت ۲۹ / ۱) عَلِمْتُ أَنَّ الْفِتْنَةَ لَا تَنْذَلُ بِنَا وَرَسُولُ اللَّهِ
بَيْنَ أَظْهَرِنَا. فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الْفِتْنَةُ الَّتِي أَخْبَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا؟
فَقَالَ يَا عَلِيًّا «إِنَّ أُمَّتِي سَيُفْتَنُونَ بَعْدِي». فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْ لَيْسَ قَدْ
قُلْتَ لِي يَوْمَ أُحْدِي حَيْثُ اسْتَشْهِدَ مِنْ اسْتَشْهِدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ حِيزَتْ عَنِي
الشَّهَادَةُ، فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ، فَقُلْتَ لِي: «أَبْشِرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ؟»
فَقَالَ لِي: «إِنَّ ذَلِكَ لَكَذِلِكَ فَكَيْفَ صَرُّكَ إِذَن؟» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،
لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبَرِ، وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَ الشُّكْرِ. وَ قَالَ:
«يَا عَلِيٌّ إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ يَأْمُوْلُهُمْ وَ يَمْنُونَ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ وَ يَتَمَنَّونَ
رَحْمَتَهُ وَ يَأْمُنُونَ سَطْوَتَهُ وَ يَسْتَحْلُونَ حَرَامَهُ بِالشُّهُبَّاتِ الْكَادِبَةِ وَ إِلَّا هُوَ أَعْ
السَّاهِيَةِ فَيَسْتَحْلُونَ الْحَمَرَ بِالْبَيْزِ وَ السُّحْتَ بِالْهَدِيَّةِ وَ الرِّبَّا بِالْبَيْعِ». قُلْتُ:
«يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَبِأَيِّ الْمَنَازِلِ أُنْزِلْتُمْ عِنْدَ ذَلِكَ؟ أَنْزَلْتَهُ رِدَّةً أَمْ يَنْزِلُهُ فِتْنَةً؟
فَقَالَ: يَنْزِلُهُ فِتْنَةً.» (دشتی، خطبه، ۱۵۶، ص ۲۰۶)

۳. بیان معنی مفردات آیات

در تفسیر قرآن کریم، تحقیق در معنای مفردات آیات، از پیش نیازهای یک مفسر
به حساب می آید؛ زیرا بدون دانستن مفهوم مفردات قرآن پی بردن به تفسیر آن میسر

نخواهد بود؛ به طوری که برخی از دانشمندان یکی از لوازم استفاده از حقایق، معارف، احکام و آداب قرآن کریم را تحقیق در مفردات آن می‌دانند. (مصطفوی، ج ۱، ص ۵)

امیرالمؤمنین علیہ السلام در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، به ذکر معنی مفردات بعضی از آیات مورد استناد پرداخته است که مراد و مفهوم آن کلمه و آیه را برای خواننده بیش از پیش روشن می‌سازد؛ در زیر به سه نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱-۳) امیرالمؤمنین علیہ السلام در نامه‌ای به قشم بن عباس فرماندار مکه، از او می‌خواهد در موسم حجّ، مردم شهر مکه از هیچ زائری اجرت مسکن نگیرند. ایشان در ادامه با استناد به آیه شریفه «سواء العاكف فيه و الباد» مسجد الحرام را برای مقیم و مسافر یکسان قرار دادیم (حج ۲۲ / ۲۵) معنای «العاكف و الباد» را در این آیه شریفه به ترتیب اهل مکه و زائرانی می‌داند که از دیگر شهرها به حجّ آمده باشند. «...وَ مُرْأَهَ مَكَّةَ أَلَا يَأْخُذُوا مِنْ ساکِنٍ أَجْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ سَبَحَانَهُ يَقُولُ: «سواء العاكف فيه و الباد». فالعاكف: المقيم به و البادي: الذي يَحْجُّ إِلَيْهِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهِ.» (دشتی، ص ۲۰۴)

۲-۳) امام علیہ السلام در خطبه‌ای خطاب به مردم، آنان را به عبرت پذیری از اندرزها و ضرورت پندگرفتن از مرگ و سختیهای روز قیامت دعوت می‌کند. ایشان در ادامه با اشاره به آیه شریفه «كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ» (ق ۵۰ / ۲۰) دو واژه «سائق و شهید» را این‌گونه معنا می‌کند: «سائق: يَسُوقُهَا إِلَى مَحْشَرِهَا، وَ شَاهِيدٌ: يَشَهِّدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا.» (دشتی، ص ۱۰۰)

۳-۳: در حکمت ۲۳۱ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیہ السلام با اشاره به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الإِحْسَانِ» (نحل ۱۶ / ۹۷). که خداوند در آن بندگان خود را به عدل و احسان فرمان می‌دهد، واژه عدل را همان «انصاف» و واژه احسان را «بخشش و نیکویی» معنی می‌کند؛ «الْعَدْلُ: الْإِنْصَافُ، وَ الإِحْسَانُ: الْنَّفَضْلُ.» (همان، ص ۴۸۲)



۴. استناد به آیات قرآن

یکی دیگر از گونه‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیه السلام استناد به آیات قرآن در اثنای برخی از خطبه‌ها و نامه‌هاست. امام علیه السلام در لابه‌لای سخنان خود، آیات الهی را به عنوان شاهد و مدعای گفته‌های خویش آورده است تا این آیات، تأییدی بر صحّت آن مطالب باشد؛ همچنین مردم نیز با شنیدن کلام وحی، هر چه بهتر و بیشتر با اهداف و پیامهای کلام وحی آشنا شوند و آنرا بهتر از گذشته درک نمایند. در زیر به دونمونه از آن اشاره می‌شود:

۱-۴) در خطبهٔ ۱۹۹ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنانی که در آستانهٔ یکی از جنگها ایراد شده است، مردم را به اقامهٔ بسیار زیاد نماز و حفظ برای فریضه الهی سفارش نمودند تا به وسیلهٔ آن، بیش از پیش به خداوند متعال نزدیک شوند. ایشان در ادامه با اشاره به آیه ۳۷ سوره مبارکه نور، دو ویژگی مهم مؤمنانی را که حق واقعی نماز را شناختند، بیان می‌کند:

وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رِجَالٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةٌ مَّتَاعٌ، وَلَا قُرْبَةٌ عَيْنٌ مِّنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ. يَقُولُ اللَّهُ سَبَّاحَهُ: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَبْغُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ.» (نور ۲۴) (۳۷)

به راستی، کسانی از مؤمنان حق نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد و روشنایی چشم‌شان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود. خداوند متعال می‌فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نمازو پرداخت زکات باز نمی‌دارد.» (دشتی، ص ۲۹۸)

۲-۴) امام علیه السلام در سخنی دیگر، مردم را به تیرهای خطرناک شیطان هشدار می‌دهد و با استناد به آیه شریفهٔ سوره مبارکه حجر، آنان را از تصمیم قطعی شیطان مبني بر گمراه کردن انسانها آگاه می‌کند: فَلَعْمَرِي لَقَدْ فَوَقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ، وَأَغْرِقَ إِلَيْكُمْ بِالْنَّزْعِ الشَّدِيدِ، وَرَمَّا كُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ، فَقَالَ: «رَبِّي مَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيْنَنَّ لَهُمْ فِي

الأَرْضِ وَلَا غَوَيْنِمْ أَجَعَيْنَ. (حجر ۱۵ / ۳۹)

به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذاشته، و تا حد توان کشیده و از نزدیک ترین مکان شما را هدف قرار داده است خطاب به خدا گفته است: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا نومید کردی، در روی زمین بدیها را در نظرشان جلوه می‌دهم و همگان را گمراه خواهم کرد.» (دشتی، ص ۲۷۲)

۵. بیان چرایی و تفسیر آیات

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاره‌ای از خطبه‌ها و نامه‌های خود با اشاره به برخی از آیات الهی، به تبیین و تفسیر عبارات و مطالب گنجانده شده در آن پرداخته و با داشن الهی خویش تفسیر حقیقی قرآن را در اختیار پویندگان راه حق و حقیقت قرار دادند.

اینک به ذکر پنج نمونه از چنین عباراتی در نهج البلاغه، می‌پردازیم:

۱-۵) در نامه ۵۳ نهج البلاغه که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، امام علی علیه السلام در سفارشی به مالک اشتر با استناد به آیه شریفه «يَا أَئِمَّا الَّذِينَ آمَنُوا أَطْبَعُوا اللَّهَ وَأَطْبَعُوا الرَّسُولَ وَأُولُى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء ۴) / ۵۹ از او می‌خواهد در مشکلات و اموری که در آن دچار شک و تردید شده است، به خدا و رسول خدا علیه السلام رجوع کند. ایشان در ادامه به تبیین این آیه شریفه می‌پردازد و بازگرداندن امور را به خدا و پیامبر، همان اخذ به کتاب خدا (قرآن) و سنت وحدت بخش رسول الله تفسیر می‌کند: «فَالرَّدُّ إِلَى اللَّهِ: الْأَخْذَ بِحُكْمِ كِتَابِهِ، وَالرَّدُّ إِلَى الرَّسُولِ: الْأَخْذَ بِسُنْنَةِ الْجَامِعَةِ غَيْرِ المُرْقَّةِ» (دشتی، ص ۴۱۰)

شبیه همین گفتار را امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به خوارج که ماجراجی حکمیت را نمی‌پذیرفتند، قبل از ورود به شهر کوفه فرمودند. ایشان در آن واقعه با اشاره به آیه فوق، بازگرداندن حکمیت را به خدا، پذیرفتن داوری کتاب خدا و بازگرداندن به پیامبر علیه السلام را انتخاب سنت ایشان می‌داند و در این امر، خاندان پیامبر علیه السلام را

سزاوارترین مردم به حکمیت بر طبق کتاب خدا و سنت رسول خدا برمی شمرد.
 (همان، ص ۱۶۸)

۲-۵) امام علی^ع در پاسخ به پرسش مردی از طایفه بنی کلب، در مورد علم غیب، به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمٌ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» (لقمان ۳۱) / ۳۴ اشاره می کند، سپس علم غیب ذاتی را تنها متعلق خداوند می داند و در ادامه، به تفسیر و تبیین عبارت «يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» در آیه فوق می پردازد. ایشان علم خداوند را منحصر به پسر یا دختر بودن جنین نمی داند و موارد دیگری همچون صفات روحی روانی فرزند داخل رحم مادر را نیز از متعلقات علم غیب الهی بیان می فرماید: «فَيَعْلَمُ اللَّهُ سَبْحَانَهُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى، وَقَبِحٍ أَوْ جَمِيلٍ، وَسَخِيٍّ أَوْ بَخِيلٍ، وَشَقِيقٍ أَوْ سَعِيدٍ، وَمَنْ يَكُونُ فِي النَّارِ حَطَبًا، أَوْ فِي الْجَنَانِ لِلتَّبَيِّنِ مُرَافِقًا». (همان، ص ۱۷۲)

۳-۵) امیر المؤمنین علی^ع در بخشی از خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه با بر Sherman در اقسام ظلم و ستم، شرك به خدای سبحانه را در آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشَرِّكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (نساء ۴۸ / ۴) از نوع ظلمی می داند که نابخشودنی است؛ «فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُغْفِرُ فَالشَّرِكُ بِاللَّهِ». (دشتی، ص ۲۴۰) این سخن امیر المؤمنین علی^ع برگرفته از آیه ۱۳ سوره مبارکه لقمان است که خداوند در آن آیه شریفه، شرك به خداوند متعال را ظلم عظیم معروفی می کند: «إِنَّ الشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». (لقمان ۳۱) / ۱۳

۴-۵) امیر المؤمنین علی^ع، هنگامی که شنید شخصی آیه شریفه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره ۲ / ۱۵۶) را تلاوت کرده است، به تفسیر این آیه شریفه پرداختند و در تبیین آن فرمودند: «إِنَّ قَوْلَنَا «إِنَّا لِلَّهِ» إِقْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْمُلْكِ؛ وَ قَوْلَنَا: «وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» إِقْرَارٌ عَلَى أَنْفُسِنَا بِالْمُلْكِ؛ این سخن که می گوییم: همه از آن خداییم، اقراری است به بندگی، و اینکه می گوییم: بازگشت ما به سوی خداست، اعترافی است به نابودی

خویش.» (دشتی، ص ۴۶۰)

۵-۵) در حکمت ۲۲۹ نهج البلاغه، امام علی‌الله درباره ارزش قناعت، عبارت «فَلَنْحِينَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) را «زندگی با قناعت» تفسیر نموده است. (همان، ص ۴۸۲) برخی از مفسران نیز با الهام از این گفتار، آیه را بدین گونه تفسیر کرده‌اند. امیرالمؤمنین علی‌الله، مصدق «حَيَاةً طَيِّبَةً» را همان زندگی همراه با قناعت دانسته‌اند. (طبرسی، ج ۶، ص ۵۹۳؛ فخر رازی، ج ۲۰، ص ۲۶۸)

۶. تبیین بدفهمی برخی از آیات

از ظاهر برخی از آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که خداوند به بندگان خود نیاز دارد، در حالی که خداوند غنی بالذات است و وام خواهی از مخلوق، دون صفات عالیه خداوندی است. به عنوان مثال، در نگاه اول به دو آیه شریفه «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يُبَيِّنُ أَقْدَامَكُمْ» (محمد ۴۷ / ۷) و آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید ۵۷ / ۱۱) چنین بر می‌آید که خداوند به یاری و نصرت مؤمنین نیازمند است؛ یا در آیه دوم، خداوند از روی تنگدستی از بندگان خود طلب وام نموده است؛ در حالی که خداوند خود را مالک تمام هستی و دارنده خزان و جنود آسمانها و زمین معرفی می‌کند.

امیرالمؤمنین علی‌الله در بخشی از خطبه ۱۸۳ نهج البلاغه، با اشاره به دو آیه فوق و آیه‌ای از سوره مبارکه مُلک، به تبیین تضاد و تعارض موجود در این آیات می‌پردازند. ایشان در سخنانی، پس از سفارش مردم به انفاق اموال و پرهیز از بخل در بخشش، چنین می‌فرماید:

فقد قال الله سبحانه: «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ وَ يُبَيِّنُ أَقْدَامَكُمْ» و قال تعالى: «مَنْ ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ»، فلم يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلٍّ وَ لَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قُلٍّ، اسْتَنْصَرْكُمْ وَ لَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَ اسْتَقْرَضَكُمْ «وَ لَهُ خَزَائِنُ

السمواتِ والأرضِ و هو الغَنِيُّ الْحَمِيدُ، و إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ «يَبْلُوكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً».

امیر المؤمنین علیہ السلام در تبیین تعارض گفته شده، دو شاهد می‌آورد و در ادامه به حل شبهه فوق و کژفهمی از این آیات مبادرت می‌ورزد: اول اینکه در بی‌نیازی خداوند از نصرت و یاری بندگان، همین بس که جنود آسمانها و زمین در اختیار اوست؛ دوم، برخورداری خداوند از ثروت آسمانها و زمین، خودگواه نیرومندی و عزت پروردگار به شمار می‌آید؛ بنابراین امیر المؤمنین علیہ السلام در ادامه، از گفتار خویش نتیجه می‌گیرد که: «هدف خداوند متعال از یاری خواهی و وام خواهی از بندگان، امتحان و آزمایش آنان در زندگی دنیوی شان می‌باشد». (الذی خلقَ الموتَ وَ الْحَيَاةَ لِيَبْلُوكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً) (ملک (٦٧) / ٢) (دشتی، خطبه ۱۸۳، ص ۴۶۰)

٧. استفاده از قیدهای توضیحی

از دیگر گونه‌های تفسیری امیر المؤمنین علیہ السلام تبیین آیات قرآن از راه بیان قیدهای توضیحی در ضمن آیه است. در زیر به دو نمونه از آن اشاره می‌گردد:

١- امیر المؤمنین علیہ السلام به هنگام تلاوت آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ» (انفطار (٨٢) / ٦)، ضمن هشدار دادن به متکبرین، یکی از دلایل غرور در برابر پروردگار متعال را «جرئت انسان بر انجام گناه» معرفی می‌کند. ایشان در ضمن تلاوت این آیه شریفه، با بیان قید ما جَرَأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ در بین آیه فوق، سرانجام این نخوت و غرور را غفلت و علاقه‌مندی انسان بر نابودی خویش تفسیر می‌کند: يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ، مَا جَرَأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ، مَا غَرَّكَ بِرِبِّكَ الْكَرِيمِ، وَ مَا أَنْسَكَ بِهِ لَكَةٌ نَفْسِكَ؟ (دشتی، خطبه ۲۲۳، ص ۳۲۴)

٢- امیر المؤمنین علیہ السلام در خطبه‌ای که پیرامون توحید و خداشناسی ایراد فرموده، ضمن بر شمردن صفات خداوند، ویژگیهای پروردگار را برتر و والاتر از صفات دیگر پدیده‌ها می‌داند و با اشاره به آیه شریفه «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوْلَدْ» (توحید (١١٢) /

۳)، دو قید توضیحی در لایه لای این آیه شریفه به کار می برد و به تفسیر آن می پردازد. بنگرید: «لَمْ يَلِدْ فَيَكُونَ مَوْلُودًا، وَ لَمْ يُولَدْ فَيَصِيرَ مَحْدُودًا» (دشتی، خطبه ۱۸۶، ص ۲۵۸) امام علیؑ در جایی دیگر عبارت فوق را این گونه تبیین می کند: «لَمْ يُولَدْ سَبَاحَةٌ فَيَكُونَ فِي الْعِزِّ مُشَارِكًا، وَ لَمْ يَلِدْ فَيَكُونَ مَوْرُوثًا هَالِكًا». (همان، خطبه ۱۸۲، ص ۲۴۶)

۸ ذکر مصادیق آیات

امیرالمؤمنین علیؑ در برخی از موارد، به تفسیر قرآن کریم براساس ذکر مصادیق آیات پرداخته است. در زیر به دو نمونه از آن اشاره می شود:

۱-۸) در خطبه ۴۴ نهج البلاغه، امیرالمؤمنین علیؑ در سخنانی ضمن برshمردن خصائص اهل بیت پیامبر ﷺ، مصادیق الراسخون فی العلم را در آیه شریفه (آل عمران ۳ / ۷)، «اَهُلُّ بَيْتِ رَسُولٍ اَكْرَمٌ»، نام برده است: «أَيْنَ الَّذِينَ رَعَمُوا أَنْهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا، كَذِبًا وَ بَغْيًا عَلَيْنَا، أَنْ رَفَعْنَا اللَّهُ وَ وَضَعْهُمْ». (دشتی، خطبه ۱۴۴، ص ۱۸۸)

۲-۸) امام علیؑ در پاسخ به خوارجی که در جنگ صفين با شعار «إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» (یوسف ۱۲ / ۴۰)، بازگشت به داوری و حکمیت کتاب خدارا فریاد می زدند، به آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَئِكُمْ أَمْرُ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» (نساء ۴ / ۵۹) استناد می کند. آنگاه اهل بیت رسول خدارا مصدق روشن این آیه و سزاوارترین و شایسته ترین افراد برای داوری و حکمیت امور معروفی می کند: «فَرَدَّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ حَكْمُ بِكِتَابِهِ، وَرَدَّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنْتَتِهِ، فَإِذَا حُكِمَ بِالصَّدِيقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَتَحْنُنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ». (دشتی، خطبه ۱۲۵، ص ۱۶۸)

با توجه به سخنان امیرالمؤمنین علیؑ می توان گفت: ایشان خود و ائمه اطهار علیؑ را مصدق اولی الامر می داند که قرآن کریم، اطاعت از ایشان را در ردیف اطاعت از خداوند و پیامبر اکرم ﷺ قرار داده است.

۹. تبیین اهداف تربیتی اخلاقی آیات

یکی از برنامه‌ها و وظایف اصلی امامان معصوم علیهم السلام تربیت افراد در زندگی اجتماعی آنان بوده است. با اندکی دقّت در کتاب نهج البلاغه می‌توان دریافت که بیشتر عبارات این کتاب گرانسنج، از غنای تربیتی و اخلاقی برخوردار است.

یکی از این موارد، تفسیر امیرالمؤمنین علیه السلام از آیه ۲۳ سوره مبارکه حديد است. امیرالمؤمنین علیه السلام در تعریف زهد و پارسایی، زهد را کوتاه کردن آرزوها از دنیا و شکرگزاری در برابر نعمتهاي خداوندي بيان می‌کند: «الزَّهَادَةِ قِصْرُ الْأَمْلِ، وَ الشَّكْرُ عِنْدَ النَّعْمَ». ایشان در ادامه با اشاره به آیه یادشده حقیقت زهد را در بین دو عبارت از این آیه می‌شناساند و شخص زاهد را کسی می‌داند که با توجه به این آیه شرife، همه جوانب زهد و پارسایی را رعایت نماید: الزَّهَادَةِ كَلَّهُ بَيْنَ كَلْمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ: قَالَ اللَّهُ سَبَحَانَهُ: «لِكَبِلَا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ». وَ مِنْ لَمْ يَأْسَ عَلَىٰ الْمَاضِيِّ، وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالآتِيِّ، فَقَدْ أَخْذَ الرَّزْدَهُ بِطَرْفِيهِ.

بنابراین زهد و پارسایی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام عدم تعلق خاطر و دلبستگی به زندگی دنیوی است. در این تفسیر، لازمه زندگی زاهدانه، ترک خانه و کاشانه و اختیار کردن عزلت و گوشنهشینی نیست.

نتیجه

۱- تأمل در کتاب شریف نهج البلاغه نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین علیه السلام در مکتب پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم پروردش یافته و به معنای واقعی کلمه، قرآن ناطق و مفسر حقیقی کلام وحی است.

۲- برخی از تفسیرها در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام، به نوعی پاسخی بوده به سؤالاتی که از سوی عده‌ای از افراد مطرح می‌شده است و امام علیه السلام با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و... به آن پاسخ می‌دادند؛ مثلاً تفسیر آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء، در شرایطی سیاسی در اثنای جنگ صفين و در ماجراهی حکمیت بیان شده است.

۳- برخی از گونه‌ها و روش‌های تفسیری امیرالمؤمنین علیه السلام عبارت‌اند از: تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، بیان معنی مفردات آیات، استناد به آیات در برخی از خطبه‌ها و نامه‌ها، بیان چرایی و تفسیر آیات، تبیین بدفهمی برخی از آیات، استفاده از قیدهای توضیحی، ذکر مصاديق آیات و توجه به اهداف تربیتی و اخلاقی آیات قرآن کریم.

منابع

- ابن أبيالحديد معتزلى، عبدالحميد. شرح نهج البلاغه. به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشيعة. قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- دشتی، محمد. نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام. قم: نشر شهاب الدین، ۱۳۸۳ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۵ق.
- طبرانی، أبي القاسم سليمان بن احمدبن أيوب. المعجم الصغير. بیروت: دارالكتب العلمية لبنان.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البيان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ق.
- فخررازی، ابو عبدالله محمدبن عمر. مفاتیح الغیب. بیروت: داراحیاء التراث العربي، ۱۴۲۰ق.
- قمعی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمعی. قم: انتشارات دارالكتاب، ۱۳۶۷ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی . تهران: دارالكتب الإسلامية، ۱۳۶۵ق.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ق.
- مظہری، مرتضی. امامت و رهبری. تهران: انتشارات صدر، ۱۳۸۷ق.
- معرفت، محمد هادی. تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۰ق.
- نیشابوری، مسلم. صحيح مسلم. بیروت: انتشارات دارالفکر لبنان.